



صنعت نفت و خصوصی سازی

نفت خصوصی

اجرای مؤثر اصل ۴۴ در حوزه انرژی، نیازمند نظارت در زمینه نحوه مکانیزم واگذاری، سازوکارهای حفظ کارآمدی زنجیره عرضه انرژی در کشور، حفظ استانداردهای کیفی و در نهایت، تضمین تداوم برقراری عملیات در این حوزه می باشد.

اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دستگاه های ذیربط در دولت و مجلس شورای اسلامی - اگر چه به کندی - در حال پیگیری است. در همین راستا، واگذاری سهام برخی از شرکت ها و صنایع بزرگ دولتی در ماه های گذشته آغاز شده و فهرست های جدیدی نیز در حال تأیید نهایی است. همچنین با واگذاری اختیارات هیأت دولت در تصویب نهایی واگذاری ها به هیأت عالی واگذاری (در اوایل مهرماه) و نیز تصویب لایحه اصل ۴۴ در مجلس شورای اسلامی، انتظار می رود سرعت واگذاری ها طی ماه های آینده، افزایش چشمگیری را شاهد باشد.

اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و اهتمام به نقش بخش خصوصی و ایجاد فضا برای فعالیت اقتصادی این بخش، به خودی خود برنامه ای سازنده با رویکردی مثبت در جهت افزایش بهره وری اقتصادی و شکل دهی مبانی واقعی و ساختارهای قابل اتکا برای رشد اقتصاد ملی محسوب می شود. در عین حال، دستیابی به اهداف واقعی و غایی این سیاست ها منوط به اجرای صحیح، منطقی و زمان بندی شده یک برنامه فرآیندی است.

در این میان، توجه به اهمیت نقش و نوع فعالیت شرکت های واگذارشونده، نقشی اساسی در تعیین فرآیند واگذاری اعم از نوع واگذاری، زمان و نحوه اجرای آن دارد.

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۶۲ کلوگاه های رشد

۶۳ قیمت نفت ایران

۶۴ کوتاه انرژی

توافقات منطقه ای و بین المللی دهه های اخیر با نگاه به نیازهای متقابل کشورها در بخش انرژی شکل گرفته است.

طی سال های اخیر، به موازات افزایش نیاز جهانی به نفت و سایر منابع انرژی و ارتقای اهمیت و جایگاه آن در عرصه روابط بین الملل، شاهد استفاده های سیاسی متعددی از این ابزار برای فشار وارد کردن بر کشورهای هدف از سوی کشورهای دارنده منابع و حتی کشورهای ترانزیت کننده بوده ایم. کما این که روسیه هم اکنون از این ابزار به صورت گسترده در تعاملات خود با کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق و حتی اتحادیه اروپا استفاده می کند. ایالات متحد نیز در فهرست ابزارهای خود برای فشار به ایران به دلیل تداوم برنامه هسته ای، حساب ویژه ای برای محدود ساختن عرضه بنزین به کشورمان و ایجاد تنگنا از این مجرا باز کرده بود که البته با تمهیدات پیش بینی شده ناکام ماند. چنین مواردی نشان دهنده ضرورت اشراف کامل بر فعالیت ها، راهبردها و سیاست های بخش انرژی از سوی دولت در مقام سیاست گذاری و اجرا می باشد.

سرمایه و تکنولوژی: مبانی صنعت نفت

سرمایه بر و تکنولوژی بر بودن، دو ویژگی عمده صنعت انرژی به خصوص در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی است. سرمایه گذاری و فعالیت در بخش بالادستی صنعت نفت، مستلزم برخورداری از منابع قابل توجه سرمایه ای و برخورداری از تکنولوژی روزآمد در حوزه شناسایی، توسعه و تولید از منابع نفت و گاز است. بر همین اساس، بخش بالادستی صنعت نفت و شرکت ملی نفت ایران از مقوله خصوصی سازی مستثنا شده است.

به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، تاکنون ۲۱ شرکت از شرکت های زیرمجموعه وزارت نفت در فهرست واگذاری قرار گرفته که طی ماه های آینده واگذار خواهند شد. در این لیست، اسامی پنج شرکت توزیع گاز، دو شرکت پالایش نفت و دو شرکت پالایش گاز به چشم می خورد.

نقش راهبردی انرژی

صرف نظر از اهمیت فهرست شرکت های دولتی قابل واگذاری، آنچه که نیازمند عنایت همه جانبه کارشناسان و مسئولان امور واگذاری می باشد، توجه به نقش بخش انرژی در تأمین درآمدهای ارزی کشور از یک سو و تأمین و توزیع انرژی به عنوان یکی از مهمترین نهادهای تولید و راهبردی ترین کالای عصر صنعتی و فراصنعتی است. تجربیات بین المللی گذشته و جاری در حوزه اقتصاد سیاسی انرژی، به خوبی نشان دهنده اهمیت این کالا و وجوه تمایز روشن آن با سایر کالاهای مبادله شونده در عرصه تجارت بین الملل است. سابقه تحریم نفتی غرب از سوی اعراب در زمان جنگ اعراب و اسرائیل و نقش غیر قابل انکار آن بر اقتصاد غرب که در قالب بحران اول انرژی نمودار شد، اولین تجربه ای است که طی آن، جهان از اهمیت و کاربردهای فرا کالایی انرژی به خوبی آگاه شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اختلال در جریان صادرات نفت کشورمان نیز زمینه ایجاد بحران دوم نفتی را فراهم ساخت و خاطرات تلخی را برای جهان صنعتی واردکننده انرژی بر جای گذاشت.

در قالب همین شرایط است که انرژی به تدریج و به ویژه از دهه ۱۹۷۰ نقشی تعیین کننده در ترسیم راهبردهای سیاسی و اقتصادی جهان بر عهده گرفت. حتی بسیاری از درگیری ها، معاهدات و

شمار مهمترین اولویت‌های مورد توجه در واگذاری شرکت‌های نفتی قرار گیرد. بدیهی است، با در نظر گرفتن ملاحظات مزبور می‌توان به اثربخشی و توفیق بلندمدت اجرای خصوصی‌سازی و ورود و حضور بخش خصوصی در بخش انرژی کشور امیدوار بود. ■

تولیدکنندگان گاز دنیا و فعالیت و بهره‌برداری از گسترده‌ترین شبکه‌های انتقال نفت و گاز منطقه را دارند، از ارزشمندترین دارایی‌ها و سرمایه‌های ملی به حساب می‌آیند که بدون آنها نمی‌توان به تداوم جریان انرژی در شریان‌های اقتصاد ملی اطمینان داشت. لذا حفظ و توسعه این ثروت انسانی باید در

اما از نقطه نظر زنجیره تأمین انرژی، بخش بالادستی همانند بخش‌های انتقال و توزیع، حلقه‌ای از مجموعه حلقه‌های زنجیره تأمین نفت و گاز است. با این حال، بخش‌های انتقال و توزیع حلقه‌های سوم و چهارم پس از تولید و پالایش محسوب می‌شوند. بخش انتقال نیز بر اساس تفکیک کار صورت گرفته در مجموعه وزارت نفت، در شمول واگذاری نبوده و تنها بخش‌های پالایش و توزیع مشمول واگذاری می‌باشند.

تأمل در جایگاه هر یک از حلقه‌های تولید، پالایش، انتقال و توزیع در مجموعه زنجیره تأمین نفت و گاز کشور نشان می‌دهد که از دیدگاه زنجیره‌ای، کارآمدی مجموعه عملیات در گروهی کارآمدی تک تک اجزای زنجیره است. بر اساس اصلی معروف، قدرت هر زنجیره به اندازه قدرت تک تک حلقه‌های آن است. بنابراین در اجرای اصل ۴۴ لازم است در حوزه شرکت‌های تابعه صنعت نفت، تأمل و تعمق ویژه‌ای در زمینه مکانیزم واگذاری، پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای حفظ کارآمدی زنجیره عرضه انرژی در کشور، حفظ استانداردهای کیفیت و در نهایت، پیش‌بینی ترتیبات لازم برای تضمین برقراری عملیات در این بخش صورت گیرد.

مسئولیت‌های خاص

بخش خصوصی دارای نگاه ویژه‌ای به فعالیت‌های اقتصادی است که حداقل‌سازی هزینه‌ها، کسب سود و ارتقای بهره‌وری، مبانی اصلی آن را تشکیل می‌دهند. وجه تمایز بخش خصوصی و بخش دولتی از لحاظ تولید کالاهای مورد نیاز جامعه، این است که دولت باید در بخش "کالاهای عمومی" فعالیت کند و یا در بخش‌هایی به تولید بپردازد که به دلیل فقدان سودآوری اقتصادی مستقیم، بخش خصوصی علاقه‌ای به فعالیت در آن ندارد. تأمین امنیت عمومی از جمله این موارد است. اما ناگفته پیداست که عدم فعالیت بخش خصوصی در این زمینه به معنای بی‌فایده بودن تولیدات آن نیست. اساساً دولت در تنظیم ترتیبات لازم برای تأمین و حفظ منافع عمومی، دارای مسئولیت‌هایی است که نمی‌توان اجرای این مسئولیت‌ها را از بخش خصوصی انتظار داشت. ولی تأمین انرژی مورد نیاز کشور از جمله کالاهای عمومی محسوب نمی‌شود. لذا با وجود مزایای فراوان فعالیت بخش خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور باید در خصوص بخشی‌های راهبردی نظیر بخش انرژی - با هدف حفظ منافع و مصالح ملی - با دقت و اهتمام ویژه‌ای به نظارت و سیاست‌گذاری پرداخت.

از سوی دیگر، صنایع نفت و گاز کشور منبع ارزشمندی از نیروی انسانی آموزش‌دیده، متخصص و مجرب است. مهندسان و کارشناسانی که تجربه گرانقدر فعالیت در دومین مجموعه تولیدکننده بزرگ نفت و یکی از بزرگترین

چالش جدید صنعت نفت و گاز جهان

گلوگاه‌های رشد

افزایش قیمت‌های نفت، مشکلاتی را برای صنعت نفت ایجاد خواهد کرد.



نمونه، در آن سال کیم بنت، مدیر اجرایی یک شرکت تولیدکننده گاز طبیعی در هوستن تگزاس، برای یافتن یک دکل حفاری مناسب فاصله‌ای ۷۰۰۰ مایلی را تا مرکز چین طی کرد. این دکل قرار بود برای حفاری چهار چاه در یک حوزه جدید اکتشافی در غرب کلرادو مورد استفاده قرار بگیرد، اما هنگامی که گروه وی همراه با دکل حفاری وارد منطقه شدند، یک روزنامه محلی آنها را با کارگران چینی راه‌آهن فعال در کوه‌های راکی طی قرن نوزدهم مقایسه کرد. در سال ۲۰۰۵ بیشتر شرکت‌های بزرگ نفتی درصد حداکثر کردن سود خود به دلیل افزایش قیمت‌های نفت بودند. اطلاعات و گزارشات منتشر شده نشان می‌داد که بخش عمده‌ای از این شرکت‌ها درآمد بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار را پیش‌بینی کرده بودند. ولی در این شرایط، گلوگاه‌های صنعت نفت و گاز به ویژه تأمین تجهیزات بخش بالادستی، بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. حتی در ایالات متحد که بزرگترین مصرف‌کننده انرژی جهان محسوب می‌شود، مشکل تنها به کمبود ماشین‌آلات و تجهیزات محدود نمی‌شود.

سال‌ها محدودیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های اکتشاف، تولید، پالایش، انتقال و توزیع، تنگناهای زیادی را در زنجیره انرژی این کشور ایجاد کرده است. طوفان‌های دریایی نیز آسیب‌های شدیدی به تأسیسات و تجهیزات موجود در بخش‌های تولید،

رشد قیمت‌های جهانی نفت خام طی سال‌های اخیر، کشورهای دارنده ذخایر نفتی محدود و کوچک را هم به تکاپو واداشته است. در واقع، در شرایطی که قیمت‌های نفت خام در سطوحی کمتر از ۳۵ دلار نوسان می‌کند، عرضه‌کنندگان نفت تنها گروه معدودی از کشورهای دارنده ذخایر عظیم نفتی را شامل می‌شوند، چرا که با قیمت‌های پایین نفت، سرمایه‌گذاری در جهت توسعه و بهره‌برداری از منابع و میادین کوچک نفتی که ذخایر محدود نفت و گاز را در خود جای داده‌اند، فاقد توجیه و سودآوری اقتصادی است. اما برداشت از همین میادین با افزایش قیمت‌های نفت به ارقام بالاتر از ۵۰ تا ۶۰ دلار، توجیه‌پذیر خواهد بود.

بر این اساس، بازار نفت به تدریج شاهد افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و تجهیزات و ماشین‌آلات مورد استفاده در اکتشاف، استخراج، توسعه و تولید نفت و گاز خواهد بود؛ و این مشکلی است که صنعت نفت در دور جدید افزایش سریع و شدید قیمت‌ها (بین ۷۰ تا ۹۰ دلار) در حال تجربه آن است.

چالش کمبود تجهیزات

از سال ۲۰۰۵ و با تشدید روند افزایش قیمت‌های نفت، برای نخستین بار نشانه‌های کمبود ابزارها و تجهیزات در صنعت نفت نمودار شد. به عنوان